

# کیمیاکان

«اگر این بالا بمیرم هیچ کس ککاش نمی‌گردد، حتما زرم با پول بیمام یقیقه زندگی‌اش را یا مرد دیگری زندگی می‌کند، راستی سسر جسمم بیایی می‌آید، خب چه فرقی می‌کند!وقتی بمیرم چه فرقی می‌کند، جسمم کجا باشد؟»

با ناراحتی سرشش را به سمت راست برگرداند و سعی کرد در تاریکی

ششانه‌ای از روشنائی پیدا کند.

«نه! نباید به این چیزها فکر کنیم! دلیلی ندارد که این جا بمیرم!»

بعد افکارش به سراغ بالگردهای دیگر رفت.

«اصلا به چه مربوط؟ اگر بالای سر ما بیاید، آن‌ها به راهشان ادامه می‌دهند و حتی لحظه‌ای به ما فکر نمی‌کنند، این‌جا هر کسسی باید کلاه خودش را بپسید، جکسون! تو باید خودت به فکر خودت باشی!»
جکسون برای چندمین بار با دلهره به آسمان روبه‌رویش نگاه کرد، شب قیفر گوی پیش رویش بود.

«خب!اگر بزرگردم خواهند گفت مثل یک آمریکایی خوب مرد!»

افکار آشفته‌اش هر لحظه به سمت و سوی می‌رفت، با عصبانیت به خودش نهب زد:

«آمریکایی خوب! آمریکایی خوب! اصلا چرا باید نقش یک سرباز فداکار را بازی کنیم! آمریکایی خوب! چرا آن سناتورهای شکم‌گنده نباید هیچوقت بی‌مرگ را کنار گوششان بشنوند.»

بعد سعی کرد به خاطر بیابورد در واشنگتن ساعت چند است.

«ریس‌جمهور الان چه غلطی می‌کند؟ سناتورها چه می‌کنند؟ حتما حالا آن سناتورهای بی‌خاصیت متن سخنرانی‌های پیروزی را از حفظ می‌کنند، جانش را ما می‌کنیم، آن‌ها قهرمان می‌شوند.»

«حالا توی واشنگتن روز است، حتما زرم… نه… اصلا آن رزیکه را باید طلاق می‌دادم، این روزها به هیچ زنی می‌شود اعتماد، وقتی مادر آدم صاف می‌آید و می‌گوید کم من می‌خواهم از پدرتان جدا شوم چون به مرد دیگری علاقه دارم چه انتظاری می‌شود داشت؟ وقتی خواهر آدم هر چند روز با هر که عشق‌اش می‌کشد، زیر یک سقف زندگی می‌کند، چه انتظاری می‌شود، داشت‌ا حیف از من که همه زندگی‌ام را به پای این زن گذاشتم؟»

بعد یادش آمد که خودش چند بار به کبشی اعتماد کرده است، بلافاصله

از کردارش پشیمان شد و به خود سپرد دفته بعد که برای اعتراف پیش پدر روحانی می‌رود به این گناه هم اعتراف کند. این کار حالش را بهتر می‌کند،

توی آن ترش آدم مجبور است هر وقت کار بدی می‌کند یا کسی را می‌کشد،

زود فراموش کند.

جکسون زیرلب تکرار کرد:

«پدر من این نفر بی‌گناه را کشته‌ام…»

پدر روحانی هم به او خواهد گفت:

«شکالی ندارد پس‌رم! تو برای وطنت مجبور خواهی شد!اگر بکشای خدا حتما تو را خواهد بخشید!»

– پدر من با همسر بهترین دوستم بودم!

– پس‌رم! خدا تو را خواهد بخشید! من برای تو طلب آمرزش می‌کنم!

– پدر!…»

– اشکالی ندارد پس‌رم! خدا…»

سعی کرد تعداد فغفاتی را که پیش پدر روحانی اعتراف کرده، بشمارد،

زور زد تا دفعتاً از به خاطر بیابورد اما موفق نشد.

صدای جیم را دوباره شنید. جیم داشت وضیعت بالگرد را با بی‌سیم به

ژنرال وازتر اطلاع می‌داد، جکسون امیدوارانه سعی کرد به خودش دلناری

بدهد.

«چه پس‌را از این مأموریت که برگردی با دلارهایی که به جیب می‌زنی، می‌روی و بقیه عمرت را کیف می‌کنی. تو هم مغزت خوب کار می‌کند و هم خلیان خیلی خوبی هستی.»

«دوباره و به تازگی خیره شد و به خود گفت:

«البته اگر زنده بمانم.»

بعد چند نفس رزیک و آبدار نثار هوشناسی و رئیس‌جمهور و شانس

بیش کرد و به شب زلز و به

بالگردها دیر کرده بودند. سرهنگ به آسمان نگاه کرد، هیچ صدایی به

گوش نمی‌رسید، پیتز والتر در حالی که با لهجه تودماغی وبرجینایی غربی

صحبت می‌کرد، رو به چپ چارلی گفت:

«خب رئیس! فکر می‌کنم این یکی برای ما آخری باشد. ما هر دو داریم

بپزی می‌شویم. این یکی را انجام می‌دهیم، درست هم انجام می‌دهیم و بعد

تمام می‌کنیم.»

برخی از شرکت‌های دیگر بودند که تحت عنوان آنها پول پرداخت شده بود ولی اصلا این شرکت‌ها ثبت نشده بودند و وجود خارجی نداشتند. آقای مهدی هاشمی معتقد به پول‌شویی بودند یعنی اعتقاد داشت پول‌هایی که از این شرکت‌ها اخذ می‌شود باید برود به صرافی در آن‌جا چنج (Change) شود تبدیل به دلار باشد یعنی تبدیل به ریال بشود که یک سری وقت‌ها دلار می‌داد برای کارهای تبلیغاتی و می‌گفت اول برپید تبدیل به ریال کنید بعد تبدیل به دلار کنید بعد دوباره ریال کنید و مصرف کنید!وقتی حکمت این کار را از ایشان می‌پرسیدیم ایشان می‌گفتند که با این کار دستگاه‌های مسئول نمی‌توانند به سادگی به منشأ پولها دست پیدا کنند.

به هر حال فشار ایشان به زیرمجموعه شامل آقای سورنا ستاری قائم مقام

سازمان و همین‌طور این جانب و پرسنل واحد فرهنگ‌سازی و همین‌طور

شرکت‌های تحت پوشش باعث شد که متأسفانه از این سازمان با فشار و فرس

force ایشان برداشت بشود و برای تبلیغات انتخاباتی پدرشان هزینه شود هرچند

ایشان ۲۲۰ میلیون تومان! برای کسانی که این کارها را می‌کردند حق‌الزحمه در

نظر گرفته بودند که بنده به سهم خود آماده هستم که آن قسمت را به بیت‌المال

برگردانم چون آن را حرام می‌دانم و شرکت‌هایی که فاکتور جعل می‌کردند

اینجا خودشان هم منافع داشتند چون این شرکت‌ها مهر و حیثیت خودشان را

می‌فروختند و بعد از انتخابات وقتی که پدر ایشان شکست خوردند باز این عملیات

ادامه پیدا کرد، آقای مهدی هاشمی رفسنجانی از آن‌جا رفتند و آقای سورنا

ستاری مدیرعامل سازمان شدند و مابقی طلب‌های انتخاباتی هم پرداخت شد.

در مجموع پول‌هایی که باید صرف تبلیغات بهینه‌سازی مصرف سوخت

می‌شد متأسفانه با فشار ایشان و همین‌طور روندی که خدمت دادگاه عرض

کردم صرف تبلیغات انتخاباتی پدرشان می‌شود و چیزی که در حوزه من برداشت

شد دو میلیارد تومان برای تبلیغات انتخاباتی بود و در قسمت‌های دیگر همچون

قسمت فرهنگ‌سازی کوچک‌ترین قسمت آن‌جا بود قسمت های دیگر هم بود

که آن قسمت‌ها ایشان باز احتمالاً اتفاقاتی افتاده که اگر بررسی شود منجر به

نتیجه خواهد شد.

به هر حال اینکه به انتخابات دهم ریاست‌جمهوری می‌پردازم که منجر به

آشوب و شورش شد و تخلفات مربوط به آن را توضیح می‌دهم. ابتدا آقای مهدی

هاشمی رفسنجانی از من صحبت کردند که ما باید کار رسانه‌ای قوی را برای

انتخابات راه‌اندازی کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی رفسنجانی

مجبور شدیم سیاست جمهوری‌را از ابتدا در دستور دانشگاه‌ها و قریب از خیابان

بنی‌هاشم سپس در روزنامه فرهیختگان مربوط به دانشگاه‌ها و با پول و هزینه‌های

سایت و پرسنل بودجه اختصاص داده کنیم.

کند روز بعد آقای دکتر جاسبی در جلسه‌ای به من گفتند که ما باید کاری

پیدا کنیم که کسی رئیس‌جمهور شود! آقای احمدی‌نژاد، چون دانشگاه با دولت

رابطه خوبی نداشت ما هم سایت جمهوری‌را به عنوان سایت طرفداران هاشمی

را مدیریت ارشد آقای مهدی هاشمی و سردبیری آقای محمدرضا نوربخش و

سردبیری شیفت صبح آقای ایدج جمشیدی و شیفت عصر آقای مسعود باستانی و

بییمان مقدم با همکاری تعدادی از نویسندگان و خبرنگاران تشکیل شد آیدامی.

چند روز بعد آقای دکتر جاسبی اعلام کرد که من از نظرم منصرف شدم و

می‌خواهم در انتخابات بی‌نظر باشم و دستور تعطیلی سایت را صادر کردند. اما

آقای هاشمی گفتند که سایت باید ادامه کار بدهد و با آن مخالفت کردند. به هر

حال با تعطیلی آن مخالفت کردند و به دستور آقای مهدی هاشمی